

فقه فناوری اطلاعات و ارتباطات

حریم خصوصی

جلسه چهاردهم : حکم حریم خصوصی، بحث روایی

۹۲/۱۱/۱۴

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی: روایت

۴- حرمت افشای اسرار

دسته چهارم روایاتی هستند که افشای اسرار دیگران را تحریم کرده است. هر یک از چهار قسم حریم خصوصی شامل افعال یا اوصاف هویتی، مکانی و ارتباطاتی ممکن است از اسرار باشد. مثلاً ممکن است خسرو کاری انجام داده باشد که نخواهد دیگران از آن مطلع گردند یا یک خصوصیت بدنی یا نفسانی داشته باشد که آن را از دیگران مخفی داشته است یا عادت دارد به جایی برود که مایل نیست دیگران از آن مطلع باشند یا پنهانی دوست یا دوستانی دارد و این امور را از اسرار خود به حساب می‌آورد.

همچنین باید توجه داشت که یک راز می‌تواند امر خیر یا شرّ باشد. ممکن است به فقرا کمک می‌کند ولی این امر را به عنوان یک راز برای خود مخفی کرده است. در کلام عرب سرّ به امر خیر و شرّ هر دو اطلاق می‌شود.

۱- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ تَغْنِي سُفْلِيهِ قَالَ لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِنَّمَا هِيَ إِذَا عَاةٌ سِرِّهِ. (الكافي، ج ۳، ص ۳۵۸)

سُفْل به معنای پایین نقیض عُلُوّ است. این کلمه در زبان عرب برای اشاره به عورت انسان بکار می‌رود. اذاعه به معنای افشا و اظهار و انتشار است. سرّ به معنای امر پنهان و مخفی در نفس و کار مخفیانه در مقابل کار آشکار و علنی است.

سند روایت صحیح است و اصل آن بوده محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی عن الحسن بن محبوب حدیث مضمّن است یعنی نام امام را به صورت ضمیر آورده است.

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی: روایت ۴- حرمت افشای اسرار

این روایت را صدوق نیز هم در معانی الاخبار و هم در کتاب محاسن خود آورده است:
حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ
الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ لَهُ (عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ
حَرَامٌ) قَالَ نَعَمْ قُلْتُ يَعْنِي سُفْلِيهِ قَالَ لَيْسَ هُوَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِنَّمَا هُوَ إِذَاعَةُ سِرِّهِ. (معانی الاخبار)
سند روایت صحیح است و ظاهراً این همان روایتی است که کلینی نقل کرده است.

وَ فِي رِوَايَةِ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ يَعْنِي
سَفَالَتُهُ قَالَ لَيْسَ هُوَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِنَّمَا هُوَ إِذَاعَةُ سِرِّهِ. (المحاسن)
سُفْل و سُفَالَه به معنای پایین نقیض علو است. ظاهراً این حدیث همان روایت قبل است.
سند روایت صحیح است به دلیل صحت طریق صدوق به عبدالله بن سنان.
همچنین این حدیث در کتاب مؤمن الحسین بن سعید الاهوازی از عبدالله بن سنان با اختلاف کمی
نقل شده است. در آنجا به جای سفالته «سیلیه» آمده است. که به معنای راه خروج است.

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی: روایت ۴- حرمت افشای اسرار

همچنین شیخ طوسی این حدیث را در کتاب تهذیب الاحکام نیز آورده است:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ عَوْرَةِ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ فَقَالَ نَعَمْ فَقُلْتُ أَغْنِي سُفْلِيهِ فَقَالَ لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِنَّمَا هُوَ إِذَا عَاةُ سِرِّهِ. (تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۷۵)

سند این روایت نیز موثق است سند شیخ به محمد بن علی بن محبوب صحیح است محمد بن عیسی بن عبید نیز قبلاً بحثش گذشت که ثقة است و تضعیف ابن ولید مقبول اصحاب نبوده و نجاشی نیز او را توثیق کرده است. روایتی آمده که او لباس زاهدان را می پوشیده است و همین امر باعث اعراض برخی اصحاب از او شده ولی متعاقباً همانان از این کار خود پشیمان شده اند. (الکشی) الحسن بن علی یا ملقب به الوشاء است که ثقة است یا الحسن بن علی بن فضال التیمی فطحی مذهب بوده ولی در آخر عمر خود برگشته و فرد موثقی است و بنابر قولی از اصحاب اجماع است.

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی: روایت

۴- حرمت افشای اسرار

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ عَوْرَةِ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ فَقَالَ نَعَمْ فَقُلْتُ أَغْنِي سُفْلِيهِ فَقَالَ لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِنَّمَا هُوَ إِذَاعَةُ سِرِّهِ. (تهذيب الاحكام)

دلالت روایات: این روایات دلالت بر حرمت حریم خصوصی به معنای حرمت افشای اسرار دیگران دارد. این شامل بخشی از حریم خصوصی افعالی، هویتی، مکانی و ارتباطی است که انسانها مایل نیستند دیگران اسرار آنها را فاش سازند و نشر دهند.

سؤال: آیا آنچه اینجا تحریم شده است آگاهی از اسرار دیگران است یا انتشار اسرار دیگران یا اعم از این دو؟

در صدر حدیث: عورة مؤمن بر مؤمن حرام است دلالت بر هر نوع فعلی دارد یعنی آگاهی از عورة (زشتی) و انتشار عورة هر دو را شامل می‌شود در ذیل حدیث: خصوص اذاعة به معنای انتشار آمده است.

در پاسخ باید گفت آنچه در اینجا حرام شده عورة است و چون متعلق تحریم همواره یک فعل اختیاری است نه یک شیء، قرینه‌ای است بر حذف متعلق تحریم. در اینجا متعلق تحریم حذف شده است و جواب آری دلالت بر اطلاق تحریم دارد پس به تناسب حکم و موضوع هر فعل متناسبی با عورة از قبیل آگاهی و انتشار هر دو تحریم شده است.

در عین حال باید توجه داشت که آنچه در ذیل روایت آمده که به خصوص انتشار تصریح شده است برای معنا کردن لفظ عورة است و موجب تقیید اطلاق صدر روایت نمی‌شود. چون فهم اول از صدر روایت حرمت آگاهی است و به قرینه ذیل به حرمت انتشار نیز توسعه می‌یابد. قرائن خارجی نیز بر تحریم آگاهی از عورة المؤمن دلالت دارند.

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی: روایت ۴- حرمت افشای اسرار

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ عَوْرَةِ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ فَقَالَ نَعَمْ
فَقُلْتُ أَغْنِي سُفْلِيهِ فَقَالَ لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِنَّمَا هُوَ إِذَا عَاةٌ سِرِّهِ. (تهذيب الاحكام)

نکته دوم: این روایت به قرینه صدر دلالت بر حرمت اسراری دارد که جنبه منفی و شرّ دارند و به نوعی زشتی محسوب می‌شوند. پس این روایات دلالتی بر حرمت آگاهی یا انتشار اسرار خیر ندارد.

نتیجه‌گیری: این روایات بر تحریم حریم خصوصی به معنای آگاهی و انتشار اسرار زشت مؤمنان دارند. همچنین این روایات حرمت حریم خصوصی به معنای حرمت لمس و تماس و معیت و نیز ورود بدون اذن و نیز مداخله و فضولی را شامل نمی‌شود.

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی: روایت ۵- حرمت تجسس

این دسته از روایات دلالتی مشابه دلالت آیه تجسس دارند.

روایت اول روایتی است که حمیری در کتاب قرب الاسناد آورده است:

۱- وَ عَنْهُ (ای عن هارون بن مسلم)، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ: وَ حَدَّثَنِي جَعْفَرٌ، عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ «إِيَّاكُمْ وَ الظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْكَذِبِ، وَ كُونُوا إِخْوَانًا فِي اللَّهِ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ، لَا تَتَنَافَرُوا، وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا تَتَفَاحَشُوا، وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا، وَ لَا تَتَنَازَعُوا، وَ لَا تَتَبَاغَضُوا، وَ لَا تَتَدَابَرُوا، وَ لَا تَحَاسَدُوا، فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ الْيَابِسَ» (قرب الاسناد، ص ۲۹)

عبدالله بن جعفر الحمیری از بزرگان مشایخ قم و بسیار وجیه بوده است و بدون واسطه از هارون بن مسلم نقل روایت دارد. هارون و مسعدة نیز از ثقات جلیل القدر هستند (النجاشی، صص ۴۱۵ و ۴۳۸)

دلالت این حدیث مشابه دلالت آیه تجسس است که قبلاً گذشت.

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی: روایت ۵- حرمت تجسس

به مناسبت روایاتی که اهل تفسیر در ذیل آیه تجسس آورده‌اند نقل می‌کنیم:

۲- و أخرج عبد الرزاق و ابن أبي شيبة و عبد بن حميد و أبو داود و ابن المنذر و ابن مردويه و البيهقي في شعب الايمان عن زيد بن وهب قال أتى ابن مسعود رضي الله عنه فقليل هذا فلان تقطر لحيته خمرا فقال عبد الله انا قد نهينا عن التجسس و لكن ان يظهر لنا شي نأخذ به (الدر المنثور، ج ۶، ص ۹۳)

ابن طاووس در عین العبرة این حدیث را از ثعلبی نقل کرده و به جای فلان نام او یعنی الولید بن عقیبة را آورده است (عین العبرة، ص ۶۴)

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی: روایت
۵- حرمت تجسس

۳- و أخرج الخرائطي في مكارم الأخلاق عن ثور الكندي ان عمر بن الخطاب رضى الله عنه كان يعس بالمدينة من الليل فسمع صوت رجل في بيت يتغنى فتصور عليه فوجد عنده امرأة و عنده خمر فقال يا عدو الله أظننت ان الله يسترك و أنت على معصيته فقال و أنت يا أمير المؤمنين لا تعجل على أن أكون عصيت الله واحدة فقد عصيت الله في ثلاث قال الله وَ لَا تَجَسَّسُوا و قد تجسست و قال وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا و قد تسورت على و دخلت على بغير اذن و قال الله لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَ تُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا قال عمر رضى الله عنه فهل عندك من خير ان عفوت عنك قال نعم فعفا عنه و خرج و تركه (الدر

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی: روایت

۵- حرمت تجسس

۴- و أخرج عبد الرزاق و عبد بن حميد و الخرائطي في مكارم الأخلاق عن زارة بن مصعب بن عبد الرحمن بن عوف عن المسور بن مخرمة عن عبد الرحمن بن عوف أنه حرس مع عمر بن الخطاب ليلة المدينة فبينما هم يمشون شَبَّ (نمیان/روشن شد) لهم سراج في بيت فانطلقوا يؤمونه فلما دنوا منه إذا باب مجأف (محل عبور و رد) على قوم لهم فيه أصوات مرتفعة و لَغَطَ (اصوات مبهمه لا تفهم) فقال عمر و اخذ بيد عبد الرحمن بن عوف أ تدرى بيت من هذا قال هذا بيت ربيعة بن أمية بن خلف وهم ألان شَرَبَ (شارب و في نسخة يشرب) فما ترى قال أرى ان قد أتينا ما نهى الله عنه قال الله وَ لَا تَجَسَّسُوا فقد تجسسنا فانصرف عنهم و تركهم (الدر المنثور، ج ۶، ص ۹۲-۹۳)

اخباری زیادی در باره تجسس عمر از اهل تفسیر در ذیل آیه تجسس وارد شده است و قرطبی آنها را در تفسیر خود ذکر کرده است. (الجامع لأحكام القرآن، للقرطبي ج ۱۶، ص: ۳۳۳-۳۳۴)

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی: روایت
۶- نهی از سرک کشیدن به منزل همسایه

در حدیث منقول از ابوهریره به طرق عامه در کتاب ثواب الاعمال نقل شده است که

وَمَنْ اطَّلَعَ فِي بَيْتِ جَارِهِ فَنَظَرَ إِلَى عَوْرَةِ رَجُلٍ أَوْ شَعْرِ امْرَأَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِنْ
جَسَدِهَا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُتَنَافِقِينَ الَّذِينَ كَانُوا يَبْتَغُونَ عَوْرَاتِ
النَّاسِ فِي الدُّنْيَا وَلَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْضَحَهُ اللَّهُ وَ يُبْدِيَ لِلنَّاسِ عَوْرَتَهُ فِي

الْآخِرَةِ (ثواب الاعمال، ص ۲۸۲)

و الحمد لله رب العالمين